

الله الرحمن الرحيم



نفسور طلسم

در پرتو آیه نَفَر



معاونت تهذیب حوزه های علمیه

مرکز ترجمه و نشر قرآن کریم

---

نام کتاب: منشور طلبگی (در پرتو آیه نفر)  
تهیه کننده: مرکز قرآن و عترت حوزه های علمیه  
مؤلف: روح الله راسل  
طرح جلد و صفحه آرایی: سید قاسم سیدیان  
نوبت چاپ: اول / فروردین ۱۳۹۰  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
قطع و صفحات: پالتویی / ۶۴  
چاپ و صحافی:  
قیمت:

---

مرکز قرآن و عترت حوزه های علمیه  
نشانی: قم، خیابان شهدا، روبروی کوچه ۳۸، طبقه دوم  
تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۴۰۳۰۵ / دورنگار: ۰۲۵۱-۷۸۴۰۳۰۶  
Email: [Quran.etrat\\_howzeh@yahoo.com](mailto:Quran.etrat_howzeh@yahoo.com)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَمَا كَانُوا الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا  
كَأَفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ  
مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ  
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ  
لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

سورة توبه، آية ١٢٢

## فهرست مطالب

۸

مقدمه

### فصل اول

۱۱

منشور طلبگی

۱۲

آیه نَفر

۱۳

فضای نزول آیه نَفر

۱۵

جنگ نظامی (سخت) و جنگ اعتقادی (نرم) با دشمن

۱۸

پیام‌ها و نکته‌های آیه نَفر

۳۶

ارزش طلبگی

### فصل دوم

۱۴

جایگاه ثقلین در برنامه طلبه

۴۲

طلبه و ثقلین

۴۷

ثقلین، میزان و شاخص

۴۹

جایگاه ثقلین در علوم حوزوی

## فصل سوم

۵۱	بایسته‌های ثقلین در حوزه از منظر رهبری
۵۲	انس با قرآن
۵۲	قرائت و تجوید قرآن
۵۳	حفظ قرآن
۵۴	تدبر در قرآن
۵۴	اهمیت حدیث
۵۵	وضع فعلی قرآن و حدیث در حوزه
۵۷	جمع بندی
۶۰	فهرست منابع

## مقدمه

«اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ  
وَ أَنْهَجْتَ بِإِلَيْهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ.»<sup>۱</sup>

تا کنون کتب متعدد و مفیدی در راستای معرفی رسالت طلبه نگاشته شده، اما تا آنجا که نگارنده مطلع است تاکنون کتاب مستقلی با محوریت آیه نَفَر (آیه ۱۲۲ سوره مبارکه توبه) که بیان کننده منشور طلبگی است نوشته نشده است.

همین امر موجب شد تا وظایف طلبه علوم دینی را با بیان بیست و سه پیام مهم که از این آیه مبارکه به دست می آید، تبیین نمایم.

---

۱. دعای ۴۲ صحیفه سجادیه (دعای ختم قرآن کریم): «بار خدایا همچنان که بوسیله قرآن، محمد ﷺ را برای دلالت و راهنمایی بر شناسائی و بی‌همتائی خویش به عنوان نشانه برپا داشتی و به وسیله آل او (اوصیاء آن حضرت ﷺ) راه‌های رضا و خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمد و آل او درود فرست و قرآن را برای ما وسیله رسیدن به گرامی‌ترین منزل‌های کرامت و بزرگواری قرار ده.»



به همین منظور تفاسیر متعددی ملاحظه شد و اهم نکاتی که ذیل این آیه بیان داشته‌اند در فصل اول کتاب بیان گردید.

در فصل دوم به جایگاه قرآن و حدیث در برنامه طلبه پرداخته شده است.

در فصل سوم فرمایشاتی از مقام معظم رهبری حفظه الله بیان شده است که بیانگر بایسته‌های قرآن و حدیث در حوزه‌های علمیه است و لزوم تحول در این عرصه را یادآور می‌شود.

امید است مطالعه این کتاب برای تمامی اقشار جامعه بخصوص طلاب علوم دینی سودمند باشد.

روح الله راسل - طلبه حوزه علمیه قم

اربعین حسینی ۱۴۳۳ - ۲۴ دیماه ۱۳۹۰



فصل اول

نشور طلبی

## آیه نَفْر<sup>۱</sup>؛ منشور طلبگی

﴿ وَمَا كَانِ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾

سوره توبه، آیه ۱۲۲

### ترجمه آیه:

«برای مؤمنین جایز نیست که همگی به جهاد بروند، پس چرا از هر شهری یک عده به سوی شهر پیامبر هجرت نمی‌کنند تا در محضر پیامبر در دین خدا ژرف‌نگری کرده و به آموخته‌های خود عمل کنند و هنگامی که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را با نشر معارف دین اندازر نموده (آثار مخالفت با اصول و فروع دین را به ایشان گوشزد کنند) تا شاید از مجازات الهی بترسند و تقوا پیشه کنند؟!»<sup>۲</sup>

۱. نَفْر: کوچ کردن، هجرت کردن: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ سِيرٌ وَ حَرَكَةٌ مَعَ كِرَاهَةٍ وَ انْزِعَاجٍ (:نگرانی) ... وَ مِنْ مَصَادِقِهِ: سِيرٌ إِلَى الْحَارِبَةِ ... وَ خُرُوجٌ مِنَ الْوَطَنِ الْمَأْلُوفِ فِي تَحْصِيلِ الْعِلْمِ وَ الْفِقْهِ» (التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۵).

۲. برگرفته از تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۴۰۴: «و معنى الآية: لا يجوز لمؤمني البلاد أن يخرجوا إلى الجهاد جميعا، فهلا نفر و خرج إلى النبي طائفة من كل فرقة من فرق المؤمنين ليتحققوا الفقه و الفهم في الدين، فيعملوا به لأنفسهم و لينذروا بنشر معارف الدين و ذكر آثار المخالفة لأصوله و فروعه قومهم إذا رجعت هذه الطائفة إليهم لعلهم يحذرون و يتقون.»

تفاسیر دیگری نیز این آیه را مانند المیزان معنا کرده‌اند از جمله: کنز الدقائق، ج ۵، ص ۵۷۱؛ منهج الصادقین، ج ۴، ص ۳۴؛ روان جاوید، ج ۲، ص: ۶۳۶؛ روشن، ج ۱۰، ص ۳۰۳؛ إرشاد الأذهان، ص ۲۱۱؛ نور، ج ۵، ص ۱۶۳. برخی تفاسیر نیز اختلاف اندکی با المیزان دارند مانند: جوامع الجامع، ج ۲، ص ۹۳ و اطیب البیان، ج ۶، ص ۳۳۳.

## فضای نزول آیه نَفَر

این آیه در فضای جنگ تبوک و در سال نهم هجری نازل شده است. جنگی که مسلمانان باید در گرمای شدید تابستان، حدود ششصد کیلومتر راه می‌پیمودند تا به مرزهای امپراتوری روم برسند، به همین جهت انجام این تکلیف بر برخی گران آمد. از این رو در آیات ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۸۱ سوره توبه با استفاده از ماده «نَفَر» (کوچ کردن)، اهمیت هجرت برای جهاد در راه خدا را بیان می‌کند. سه نفر از کسانی که در این جنگ شرکت نکردند، پشیمان شده و برای عذرخواهی نزد پیامبر آمدند. اما حضرت با آنها سخن نگفت و دستور داد کسی با آنها حرف نزد. آنها به کوه‌های اطراف مدینه رفتند و به توبه و تضرع پرداختند تا پس از پنجاه روز خداوند توبه ایشان را پذیرفت.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۹۵ و تفسیر نور، ج ۵، ص ۶۲. شایان ذکر است که این سوره به مناسبت ذکر همین داستان، سوره «توبه» نام گرفته است.

در این شرایط که خداوند عذر کسی را برای فرار از جنگ به سختی می‌پذیرد، می‌فرماید: چرا گروهی این جنگ را ترک نمی‌کنند تا به تحصیل علوم دینی بپردازند؟ از اینجا معلوم می‌شود که طلبگی به مراتب از جهاد نظامی با دشمن مشکل‌تر و مهم‌تر است. از همین روست که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَالِمُ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> «پاداش و اجر عالم بالاتر است از پاداش کسی که روزها روزه است، شب‌ها به عبادت ایستاده و در راه خدا با دشمن می‌جنگد.»

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۵۵، ح ۷۰، باب حقّ العالم.

## جنگ نظامی (سخت) و جنگ اعتقادی (نرم) با دشمن

جنگ سخت دشمن گاهی هست و گاهی نیست. به تعبیر آیه ۱۲۶ سوره توبه سالی یکبار یا دوبار احتمال جنگ سخت با دشمن وجود دارد: ﴿أَوْلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ﴾ «آیا نمی بینند که سالی یک بار یا دوبار برای جنگ با دشمن آزموده می شوند؟»

اما جنگ نرم دشمن همیشگی است. دشمن همیشه برای بازداشتن از راه خدا پول خرج می کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup> «قطعاً کسانی که کافر شدند برای اینکه مردم را از راه خدا بازدارند، پول خرج می کنند».

دشمن همواره تلاش می کند تا با القای شبهات، دین خدا را کج و معوج نشان دهد: ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾<sup>۲</sup> «ستمگران کسانی

۱. سوره انفال، آیه ۳۶. دقت کنید که فعل مضارع ﴿يُنْفِقُونَ﴾ دلالت بر استمرار می کند.

۲. سوره هود، آیه ۱۹. دقت کنید که فعل مضارع ﴿يَصُدُّونَ... وَيَبْغُونَهَا﴾ دلالت بر استمرار می کند.

هستند که مردم را از راه خدا بازداشته و دین خدا را کج و معوج نشان می دهند».

دشمن همواره مؤمنین را تحریم اقتصادی می کند تا از راه خدا باز دارد: ﴿يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا﴾<sup>۱</sup> «منافقین کسانی هستند که می گویند: به کسانی که دور پیامبر جمع شده اند، پول ندهید تا از دور پیامبر پراکنده شوند».

برای جنگ سخت با دشمن همیشه گروه‌هایی از مردم یافت می شوند، اما برای جنگ نرم دشمن که دائمی و همیشگی است هرکسی توان و استعداد لازم را ندارد. از این رو باید همواره افرادی با استعداد در حوزه‌ها پرورش یابند و تمام توان خود را برای جنگ نامرئی و نرم دشمن به کار برند.

از این روست که قرآن کریم در آیه نَفْر وظیفه جهاد در جنگ سخت را از طلاب علوم دینی برداشته و وظیفه‌ای سنگین‌تر (نبرد دائمی با جنگ نرم دشمن) را بر دوش آنها قرار داده است.<sup>۲</sup>

۱. سوره منافقون، آیه ۷. دقت کنید که فعل مضارع ﴿يَقُولُونَ﴾ دلالت بر استمرار می‌کند.

۲. البته این مطلب، موجب این سؤال نشود که چرا در هشت سال دفاع مقدس بیشترین تعداد شهید از صنف طلاب بوده است؟ چرا که وقتی نیرو در جبهه‌ها کم بوده و اصل اسلام در خطر باشد، شکی نیست که طلبه هم باید به جهاد برود.



مسلماناً پاداش چنین جهادی برتر از جهاد در جنگ سخت دشمن است، از این رو در آیات قرآن می‌فرماید که هرکس در راه کسب معرفت دینی هجرت کند تا دین خود و دین دیگران را حفظ نماید، اگر بمیرد یا کشته شود رزق نیکو دارد و پاداش او را خداوند متعال خودش به عهده می‌گیرد: ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا﴾<sup>۱</sup> «کسانی که در راه خدا هجرت کنند، سپس بمیرند یا کشته شوند، خداوند روزی نیکو به ایشان می‌دهد.»

﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرْعَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾<sup>۲</sup> «هرکس از خانه و کاشانه‌اش به قصد هجرت به سوی خدا و رسولش خارج شود سپس مرگ او در رسد، به تحقیق اجرش برعهده خداست.»

۱. سوره حج، آیه ۵۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۰. از همین رو در برخی روایات آمده است که مصداق مهم این آیه طلبه علوم دینی است: قَالَ عَبْدُ الْأَعْلَى قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ بَلَّغْنَا وَفَاءَ الْإِمَامِ كَيْفَ نَضَعُ؟ قَالَ: عَلَيْكُمُ التَّيْبَرُ. قُلْتُ: النَّفِيرُ جَمِيعًا؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ﴿فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَسَفَّحَهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا﴾ الْآيَةَ. قُلْتُ: نَفَرْنَا فَمَاتَ بَعْضُهُمْ فِي الطَّرِيقِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾. عِلَلُ الشَّرَائِعِ، ج ۲، ص ۵۹۲.

## پیام‌ها و نکته‌های آیه نَفْر<sup>۱</sup>

### پیام اول آیه نَفْر

وظیفه کوچ کردن برای جهاد نظامی (جنگ سخت) از طلبه علوم دینی برداشته شده ﴿وَمَا كَانُوا الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً﴾ و در مقابل وظیفه جهاد با جنگ نرم دشمن بر او واجب شده است ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ...﴾.

---

۱. پیام ۱ و ۱۰ از المیزان، ج ۹، ص ۴۰۴؛ پیام ۱۵ و ۱۶ از بیانات حضرت علامه جوادی آملی رحمته الله در درس تفسیرشان و نیز تفسیر روشن، ج ۱۰، ص ۳۰۵؛ پیام ۱۱ از کنزالدقائق، ج ۵، ص ۵۷۱؛ پیام ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ از تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۶۳-۱۶۶ و ج ۱۲، ص ۲۶۵-۲۶۸ و هفت پیام دیگر از نگارنده می‌باشد. البته در عبارات این تفاسیر تصرف شده و توضیحاتی از سوی نگارنده اضافه شده است.

## پیام دوم آیه نَفَر

به دنبال نزول آیاتی که به شدت از متخلفان جنگ انتقاد می‌کرد، ممکن بود در جنگ‌های بعدی، همه مسلمانان به جهاد رفته و از وظیفه مهم طلبگی و جهاد فرهنگی غفلت ورزند. این آیه کنترل‌گری برای کوچ آنان به جبهه بود ﴿وَمَا كَانُ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً﴾. بنابراین باید در برنامه‌ریزی و مدیریت، جامع‌نگر بود تا توجه به یک مسأله، سبب اخلال در مسائل دیگر نباشد.

## پیام سوم آیه نَفَر

قرآن درباره هیچ شغلی نفرموده که چرا عده‌ای متصدی آن نمی‌شوند، اما درباره طلبگی این تشویق و تحریض را انجام داده است.<sup>۱</sup> ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ...﴾. از اینجا دو مطلب به دست می‌آید، یکی اینکه طلبگی امری مقدس است و باید قدر آن را دانست. دیگر آنکه طلبگی حتی در زمان نبی اکرم ﷺ مهجور بوده، تا چه رسد به امروز.

۱. البته غیر از طلبگی، قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۰۴ به مسلمانان دستور می‌دهد تا گروهی از آنان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گیرند و این امر مهم را شغل خود قرار دهند: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

جالب است بدانیم هم‌اکنون در کشورمان حدوداً شصت هزار مسجد وجود دارد که چهل هزار آن امام‌جماعتِ روحانی ندارد.<sup>۱</sup> ما با این تعداد طلبه، پاسخگوی نیاز داخل کشور هم نیستیم تا چه رسد به خارج.

### پیام چهارم آیه نَفْر

هجرت، ملازم ایمان است. یا برای دفاع از دین (مبارزه با دشمن در جنگ نظامی و سخت) هجرت کنید، یا برای شناخت دین و مبارزه با دشمن در جنگ نرم ﴿فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ﴾.

### پیام پنجم آیه نَفْر

ارزش طلبگی از جهاد فی سبیل الله هم بالاتر است<sup>۲</sup> ﴿وَمَا كَانَتِ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً... فَلَوْلَا نَفَرْنَا...﴾. دلیل ارزشمندی طلبگی و برتری آن بر جهاد فی سبیل الله، وظایف و مسئولیت‌های سنگین آن است. علوم حوزوی، راه تهذیب نفس و وظایف اجتماعی یک روحانی، همگی دشوار است.

۱. این آمار در سال ۱۳۸۶ توسط ریاست پیشین حوزه علمیه قم، حجة الاسلام و المسلمین حسینی بوشهری ارائه شد.  
 ۲. توضیح نحوه استفاده این نکته از آیه شریفه در بحث فضای نزول آیه نَفْر در فصل اول کتاب گذشت.

**نکته:** قرآن کریم برای آسان شدن این مشکلات، در آیات اول تا هفتم سوره مبارکه مزمل روش‌هایی را معرفی نموده و می‌فرماید: ای پیامبر ما! تو وظایف سنگینی بر عهده داری از جمله:

۱. ما می‌خواهیم بیانات و معارف سنگینی را به تو بیاموزیم ﴿إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾.

۲. باید کاری انجام دهی که بیشترین اثر را در روح و معنویت تو داشته باشد ﴿أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾.

۳. در طول روز مشغول فعالیت و انجام وظایفی سنگین هستی ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾.

از این رو باید کارهایی انجام دهی که بر توان و ظرفیت تو بیفزاید، از جمله:

۱. باید اهل شب‌زنده‌داری و نماز شب باشی ﴿قُرْ  
الَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ... إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ ...﴾.

۲. باید قرآن را زیبا و همراه با تدبیر بخوانی ﴿وَرَتَّلْ  
الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾.<sup>۱</sup>

بنابراین طلبه علوم دینی نباید از امور ظرفیت‌ساز غفلت ورزد.

۱. برگرفته از تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۲۶۵-۲۶۸. به بیان ادبی، آیات ۵ تا ۷ استیناف بیانی برای آیات اول این سوره است و حکمت این دستورات را بیان می‌نماید.

## پیام ششم آیه نَفَر

همواره در طول تاریخ و به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عده‌ای تلاش کرده‌اند تا بگویند: «دین هیچ نیازی به نهادی به نام روحانیت ندارد»؛ «مردم بدون مراجعه به عالم دینی می‌توانند مسائل مورد نیازشان را درک کنند»؛ «تفسیر و فهم قرآن کریم نیازی به مفسر و عالم حوزوی ندارد» و ... این آیه جواب محکمی به اینگونه جهالت‌ها یا توطئه‌هاست ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ ... وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ ... لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ از یک سو گروهی را موظف می‌داند که همواره این نهاد را حفظ و تقویت نمایند و از سوی دیگر از مردم می‌خواهد که به انذارهای روحانیت گوش فراداده و از گناه و معصیت فکری و عملی حذر کنند و قدر این نهاد را بدانند.

## پیام هفتم آیه نَفَر

باید از هر منطقه، افرادی برای شناخت اسلام به مراکز حوزوی بروند تا در همه مناطق، عالم دینی به مقدار لازم حضور داشته باشد ﴿مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ﴾.

## پیام هشتم آیه نَفَر

در زمان جنگ هم نباید مسائل فکری، اعتقادی و اخلاقی مورد غفلت قرار گیرد و دشمن خارجی ما را از دشمن داخلی (جهل و غفلت) غافل سازد ﴿وَمَا كَانُوا الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا ... فَلَوْلَا نَفَرَ ... لِيَنْفَقَهُوا﴾. اساساً کار ذاتی و اصلی پیامبران، مبارزه نرم با دشمن است و مبارزه نظامی (سخت) امری عارضی است.<sup>۱</sup>

## پیام نهم آیه نَفَر

واژه «فقه» در فرهنگ قرآن به معنای فهم عمیق و ژرف است.<sup>۲</sup> بنابراین طلبه باید به دنبال فهم عمیق از دین بوده و از سطحی نگری و سریع خواندن درس‌ها پرهیز کند ﴿لِيَنْفَقَهُوا فِي الدِّينِ﴾.

۱. سوره حدید، آیه ۲۵: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾  
یعنی انبیا با دلایل روشن آمدند تا با جنگ نرم دشمن مبارزه کنند و مردم اقامه عدل نمایند، اما آهن را نیز که در آن نیرویی شدید است برای جنگ سخت با دشمنانی قرار دادیم که به مبارزه با آن دلایل روشن برمی‌خیزند.

۲. همانطور که کتب تحقیقی در علم لغت به آن تصریح نموده‌اند:  
«الفقه: هو فهم علی دقة و تأمل، و بهذا القید یفترق عن مواد العلم و المعرفة و الفهم و غیرها.» (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۳۵)  
«الفرق بین الفقه و العلم: أن الفقه هو العلم بمقتضى الكلام علی تأمله، و لهذا لا یقال إن الله یفقه، لأنه لا یوصف بالتأمل.» (معجم الفروق اللغویة، ص ۴۱۲)

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «أَلَا خَيْرٌ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُّمٌ»<sup>۱</sup> «همانا در علمی که تدریجاً و با تأمل به دست نیاید، خیری نیست.»

**نکته:** برای کسب فهم عمیق از دین، در درس خواندن باید از اسلوب حوزوی تبعیت کرد و به ترتیب این قدم‌ها را طی نمود: پیش مطالعه، حضور در کلاس، مطالعه، مباحثه، خلاصه‌نویسی، عمل کردن و تدریس.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد این مراحل برگرفته از این روایت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ؟ «قَالَ: الْأَنْصَابُ.» قَالَ: ثُمَّ مَهْ؟ «قَالَ: الْأَسْتِمَاعُ.» قَالَ: ثُمَّ مَهْ؟ «قَالَ: الْحِفْظُ.» قَالَ: ثُمَّ مَهْ؟ «قَالَ: الْعَمَلُ بِهِ.» قَالَ: ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ «قَالَ: نَشْرُهُ.»<sup>۴</sup> «مردی از رسول خدا پرسید: علم چیست؟ حضرت فرمودند: سکوت کردن. پرسید: سپس چه؟ فرمودند: خوب گوش دادن. پرسید: سپس چه؟ فرمودند: به خاطر سپردن. پرسید: سپس چه؟ فرمودند: عمل کردن به آن. پرسید: سپس چه؟ فرمودند: منتشر کردن آن.»

۱. «تَفَهُّمُ الْكَلَامِ: فَهْمُهُ شَيْئاً بَعْدَ شَيْءٍ» (لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۵۹)؛ «تَفَهُّمُهُ: إِذَا فَهَمَهُ شَيْئاً بَعْدَ شَيْءٍ» (تاج العروس، ج ۱۷، ص ۵۴۶).
۲. اصول الکافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۶۵، باب صفة العلماء.
۳. برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های «میقات سبز، استاد هادوی تهرانی»؛ «صراط، استاد علیدوست» و «راه و رسم طلبگی، استاد عالم‌زاده» مراجعه نمایید.
۴. اصول الکافی، ج ۱، ص ۶۸، ح ۱۲۷، باب النوادر.



بر اساس این روایت مراحل علم به ترتیب عبارت است از: سکوت، خوب گوش دادن، به یاد سپاری مطالب، عمل به علم و نشر علم.

### پیام دهم آیه نَفَر

واژه «فقه» در حال حاضر، فقط به احکام شرعی و عملی گفته می‌شود، حال آنکه تفقه در این آیه، فهم عمیق تمام معارف دین اعم از اصول و فروع است ﴿لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾ چرا که موضوع فقاها را تمام دین قرار داد نه فقط فروع آن را، نیز به دلیل اینکه می‌فرماید: ﴿وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾ و معلوم است که انذار، تنها با بیان فقه اصطلاحی (بیان مسائل عملی) صورت نمی‌گیرد، بلکه بیان اصول عقاید نیز لازم است.

**نکته:** در این آیه دستور به تفقه در تمام دین داده شده است، لذا لازم است بدانیم علوم دینی کدامند؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ

۱. آنچه در حوزه‌ها به عنوان مباحثه، خلاصه‌نویسی و ... مطرح است همه برای خوب به خاطر سپردن مطالب است.

۲. معنای استنباط احکام شرعی برای واژه «فقه» معنایی جدید است و «فقه» با چنین معنایی در آیات و روایات نیامده است.

«ليس المراد به الفقه بمعنى العلم بالأحكام الشرعية عن أدلتها التفصيلية فإنه مستحدث ...» (مجمع البحرين، ج ۶، ص ۳۵۵)

مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ»<sup>۱</sup> «علم نافع (و لازم برای سعادت دنیا و آخرت) تنها سه چیز است: علم عقاید، اخلاق و احکام؛ و تحصیل علمی غیر از آن (برای کسی که این سه علم را دارد) فضیلت است.»<sup>۲</sup>

بنابراین طالب علم باید عمرش را در راه شناخت عقاید، اخلاق و احکام دین صرف کند و اوقات فراغتش را صرف یادگیری سایر مسائل علمی نظیر نجوم، طب اسلامی، تاریخ معاصر، مباحث سیاسی و ... نماید که دانستن این مطالب جانبی برای طلبه فضل است. اصولاً همانطور که جنگ نرم دشمن تعطیلی بردار نیست، مفهومی به نام تعطیلات برای طلبه معنا ندارد. طلبه علوم دینی همواره باید یا مشغول مطالعه و تحقیق باشد، یا در اوقات فراغت خود با مطالعه آنچه مورد نیاز امروز جامعه است، مهیای انداز باشد. حتی تفریح کردن طلبه هم باید مطالعه کتاب‌های گوناگون علمی بوده، از روزهای تعطیل و اوقات خستگی

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۹، ح ۴۴، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء.  
 ۲. در اینکه مراد از این سه علم چیست اندک اختلافاتی هست که می‌توانید برای تحقیق بیشتر به این منابع رجوع کنید: چهل حدیث حضرت امام علیه السلام، ص ۳۹۱-۳۹۲؛ آشنایی با قرآن علامه مطهری، ج ۹، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۰۳؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ و اما عبارت مرحوم ملا محسن فیض کاشانی در الوافی، ج ۱، ص ۱۳۴: «وكان الآیة المحکمة إشارة إلى أصول العقائد ... و الفریضة العادلة إشارة إلى علوم الأخلاق ... و السنة القائمة إشارة إلى شرائع الأحکام و مسائل الحلال و الحرام ...»

برای این منظور استفاده نماید.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ»<sup>۱</sup> «همانا این دل‌ها همانند بدن ملول و خسته می شود، پس برای نشاط آن به سراغ سخنان زیبا و حکمت آمیز بروید.»

امروزه با رشد اطلاعات و معلومات جوانان، جامعیت اطلاعات برای یک طلبه امری ضروری است. بنابراین لازم است طلبه علوم دینی با شناسایی بهترین کتب در زمینه‌های مختلف علم روز، خود را مجهز نماید. امام علی علیه السلام می فرمایند: «الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ.»<sup>۲</sup> «وسعت علوم بیش از آن است که یک انسان بر همه آنها تسلط پیدا کند، پس از هر علمی بهترین و سودمندترین آن را بیاموزید.»

### پیام یازدهم آیه نَفَر

تمام همت طلبه باید شناخت عمیق دین برای رساندن پیام دین به مردم باشد ﴿لِيَنْفَقَهُوْا...﴾ و ﴿لِيُنذِرُوْا﴾ نه گردن‌فرازی و فخرفروشی به مردم یا به دست آوردن پست و مقام و سایر اغراض غیر الهی.

۱. حکمت ۹۱ و ۱۹۷ نهج البلاغه.

۲. غررالحکم، ص ۴۶، ح ۱۸۴.

## پیام دوازدهم آیه نَفَر

طلبه علوم دینی باید به دنبال ادای تکلیفش (دین شناسی و انذار) باشد ﴿لَيَسْفَقَهُوْا... وَلَيُنذِرُوْا﴾ و وظیفه خدا را که رساندن رزق و روزی است، به خدا واگذارد و جای وظیفه خودش را با وظیفه خدا عوض نکند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمایند: «قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَ أَمَرْتُمْ بِالْعَمَلِ فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلْبُهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ»<sup>۱</sup> «خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار و تلاش امر فرموده، پس نباید روزی تضمین شده را بر آنچه که بر شما واجب شده، مقدم دارید.» به خصوص آنکه خداوند به روزی عالم دینی بیش از روزی سایر مردم عنایت دارد. نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكْفَلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خَاصَّةً عَمَّا صَمِنَهُ لِغَيْرِهِ»<sup>۲</sup> «خداوند روزی جوینده علم را فراتر از آنچه برای دیگران تضمین کرده، عهده دار شده است.»

## پیام سیزدهم آیه نَفَر

عالمی که فقط درس بخواند ولی در وظیفه انذار جامعه و وظایف اجتماعی خویش اهمال نماید

۱. خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه.

۲. منية المرید، ص ۱۶۰ به نقل از كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳۹، ح ۲۸۷۰۱.

نیمی از وظیفه خویش را انجام نداده است. ﴿لَيَسْأَلَنَّهُمْ... وَلَيُنذِرُونَ﴾. اصولاً انزوا و گوشه‌گیری، نشانه عدم فقاقت است. راوی از امام صادق ع می‌پرسد: «کسی را می‌شناسم که فقیه و دین‌شناس است اما خانه‌نشین است و با کسی از برادرانش ارتباط ندارد». حضرت در جواب فرمودند: «كَيْفَ يَتَفَقَّهُ هَذَا فِي دِينِهِ؟»<sup>۱</sup> یعنی چگونه چنین کسی را فقیه و دین‌شناس می‌شمرد؟

### پیام چهاردهم آیه نَفَر

شرط تبلیغ دینی، آگاهی عمیق از آن است ﴿لَيَسْأَلَنَّهُمْ... وَلَيُنذِرُونَ﴾. بنابراین طلبه باید عمده سرمایه و وقت خود را بر روی فقاقت و دین‌شناسی عمیق صرف نماید و اینگونه نباشد که از همان ابتدا و با سواد محدود سراغ امر خطیر تبلیغ برود.

### پیام پانزدهم آیه نَفَر

طلبه علوم دینی علاوه بر تلاش وافر در جهت مطالعه و فهم عمیق دین، باید در طریق تزکیه و تربیت نفس خویش نیز کوشا باشد، چراکه یکی

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۸، ح ۴۳، باب فرض العلم و وجوب طلبه و الحث علیه.

از وظایف مهم او انذار است ﴿وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾ و طبیعی است که اگر طلبه خودش از انذارهای دین و قرآن تأثیر نگرفته باشد، انذار کردنش در دیگران اثری نخواهد داشت. چراکه «خفته را خفته کی کند بیدار»!

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّفَا»<sup>۱</sup> «اگر عالم به علم خویش عمل نکند، موعظه اش از دل ها می لغزد، همانطور که باران از سنگ صاف».

جالب آنکه در این آیه، انذار را پس از فقاہت ذکر نمود ﴿لِيَنْفَقَهُوْا... وَلِيُنذِرُوا﴾ شاید یکی از حکمت های این تقدّم و تأخر بیان این نکته باشد که نتیجه فقاہت، انذار مردم است. بنابراین فقاہتی که در اثر حفظ کردن اصطلاحات بوده و در قلب فقیه جای نگرفته باشد و دانایی او به دارایی تبدیل نشده باشد، او را به انذار مردم بر نمی انگیزد.

### پیام شانزدهم آیه نَفَر

در تبلیغ دین، هم باید «انذار» کرد و هم «بشارت» داد، همانگونه که امام علی علیه السلام می فرماید:

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۶۳، ح ۱۱۰، باب استعمال العلم.

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقِّ الْفَقِيهِ؟ مَنْ لَمْ يَقْطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ؛ وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُمْ فِي مَعَاصِي اللَّهِ؛ وَ لَمْ يَتْرُكِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ.»<sup>۱</sup>

«آیا شما را به فقیه واقعی آگاه نسازم؟ او کسی است که مردم را از رحمت خداوند ناامید نکند، وعده امنیت از عذاب خداوند ندهد، اجازه گناه صادر ننماید و قرآن کریم را به امید آنکه هدایت را در چیز دیگری بیابد ترک نکند.» اما در آیه نَفَر فقط «انذار» به عنوان وظیفه مبلّغ ذکر شده است ﴿وَلْيُنذِرُوا﴾ چراکه محور اصلی در تبلیغ باید انذار باشد نه بشارت، همانطور که قرآن کریم انبیای الهی را هم «مُبَشِّر» می نامد و هم «مُنذِر»، اما در جائی که بنا دارد بین این دو، یکی را به عنوان صفت انبیا ذکر نماید، می فرماید آنها «مُنذِر» هستند. ولی در هیچ جای قرآن، انبیای الهی را با وصف «مُبَشِّر» (به تنهایی) ذکر نمی کند.<sup>۲</sup> سرّ این مطلب هم این است که تا مردم از فرجام بد کار خویش ترسان نشوند، به سوی خداوند و انجام تکالیف الهی حرکت نمی کنند، اگرچه هزاران بار به بهشت بشارت داده شوند.

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۶۵، باب صفة العلماء.

۲. آیاتی که وظیفه انبیا را انذار و بشارت (با همدیگر) دانسته ۱۹ آیه است، از جمله سوره بقره، آیات ۱۱۹ و ۲۱۳. اما آیاتی که انبیا را فقط با وصف مُنذِر یاد کرده است و یا در بیان وظیفه آنها فقط انذار را یادآور شده است ۶۸ آیه است، از جمله سوره اعراف، آیات ۲ و ۶۳ و ۱۸۴.

### پیام هفدهم آیه نَفَر

طلبه به هنگام تبلیغ نباید به خوشایند دل مردم سخن بگوید، بلکه باید تنها رضایت الهی را در نظر گرفته و بیدارکننده و هشداردهنده سخن بگوید و در مخاطب خود انگیزه حرکت به سوی خدا ترسی و مراعات تقوا را ایجاد نماید ﴿وَلْيُنذِرُوا﴾ بنابراین طلبه‌ای که بر روی منبر پیامبر ﷺ به جای بیان عقاید، اخلاق و احکام شرع، به بیان چیز دیگری مشغول باشد (مثل بیان خواب و رؤیا یا اشعار صرفاً زیبا) وظیفه را ادا نکرده است گرچه سخنرانی او مورد پسند برخی واقع شود.

### پیام هجدهم آیه نَفَر

برای تبلیغ و کار فرهنگی، زادگاه انسان در اولویت است ﴿وَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾ چراکه شناخت فرهنگ و زبان یک قوم موجب اثرگذاری بیشتر است. از همین جا روشن می‌شود که اگر طلبه، قوم دیگری غیر از قوم خود را برای تبلیغ برگزید، باید قبل از حضور در جمع آنان، اطلاعات خود را از فرهنگ و آداب و رسوم آن قوم افزایش دهد تا موفق باشد.



## پیام نوزدهم آیه نَفَر

برای طلاب حوزه‌ها، دو هجرت لازم است: یکی به سوی حوزه‌ها و دیگری از حوزه‌ها به سوی قوم خود. بنابراین ماندن در حوزه‌ها جایز نیست ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ ... لَيَنْفَقَهُوْا ... وَلَيُنْذِرُوْا ... إِذَا رَجَعُوْا﴾.

## پیام بیستم آیه نَفَر

طلبه علوم دینی در هر مرحله از تحصیلات حوزوی که هست باید با نگاه و رویکرد تبلیغی به تحصیل علم پردازد و آنقدر از احکام شرع، آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در حافظه داشته باشد که هرگاه به سمت خانواده، اقوام و دوستان می‌رود با بیان امری از این امور، آنها را انداز نموده و متوجه تکالیفشان بنماید ﴿وَلَيُنْذِرُوْا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوْا إِلَيْهِمْ﴾. بنابراین طلبه نباید منتظر باشد که اگر برای منبر دعوت شد سخنرانی کند، بلکه به هر جمعی دعوت می‌شود (خصوصاً در صلهٔ رحم و مهمانی‌ها) باید از قبل به فکر ارائه مطلبی مفید، کوتاه و مناسب آن جلسه بوده و فرهنگ قرآن و عترت را نشر دهد.

۱. مگر برای کسانی نظیر اساتید حوزه که وظیفه شان خدمت به حوزه‌ها و تربیت عالمان دینی است.

### پیام بیست و یکم آیه نَفَر

علما باید خود به سراغ مردم بروند و منتظر دعوت آنان نباشند ﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾.

### پیام بیست و دوم آیه نَفَر

محور تبلیغ، باید ایجاد تقوا و بیان اصول عقاید به خصوص یاد معاد باشد ﴿وَلِيُنذِرُوا ... لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ چراکه فقط با بیان احکام کسی از کار زشت حذر نمی‌کند. البته تردیدی نیست که در تبلیغ باید احکام شرعی نیز بیان شود.

### پیام بیست و سوم آیه نَفَر

عالم دینی نباید توقع داشته باشد که تمام مردم از او تبعیت کنند، چون گروهی هرگز به راه دین و خدا نمی‌آیند ﴿لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾. اعتقاد به این امر موجب می‌شود که تلاش طلبه فقط انجام وظایفش باشد، نه اینکه بخواهد به هر طریق و با هر وسیله‌ای شده، افراد را هدایت کند. خداوند به پیامبرش می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾<sup>۱</sup> «ای پیامبر! اینگونه نیست که تو هر کس را بخواهی هدایت کنی، (بلکه تو فقط ابلاغ کننده هستی) و هدایت فقط به دست خداست.»

۱. سوره قصص، آیه ۵۶.

لذا طلبه نباید به بهانه هدایت کردن دیگران، کاری انجام دهد که مورد رضایت خدا نیست و خود را جهنمی کند تا دیگران به بهشت بروند.

امام علی علیه السلام خطاب به مردم ناسپاس کوفه می فرماید: «وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ يَقِيمُ أَوْدَكُمْ وَلَكِنِّي لَا أَرَى إِصْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي.»<sup>۱</sup> «من به خوبی می دانم که چگونه باید شما را اصلاح و کجی های شما را راست کرد، اما اصلاح شما را با فاسد کردن روح خویش جایز نمی دانم.»

مفهوم حدیث این است که من اگر بخواهم، می توانم شما را بهشتی کنم و به راه آورم، اما چه کنم که تنها راهش این است که معصیت خدا را کنم و من خود را برای بهشتی شدن شما، جهنمی نمی کنم.

## ارزش طلبگی<sup>۱</sup>

آیه نَفَر به خوبی ارزش راه طلبگی را نشان داد. اکنون چند روایت از ده‌ها روایت مرتبط با این بحث از نظر می‌گذرد.

❖ پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَهُ.»<sup>۲</sup> «هرگاه خداوند متعال برای بنده‌ای خیر را اراده نماید، او را دین‌شناسی اهل بصیرت<sup>۳</sup> قرار می‌دهد، نسبت به دنیا بی‌اعتنا و زاهد می‌گرداند و او را به عیوبش بینا می‌سازد.»

**نکته:** ظاهراً این سه مطلب بر همدیگر ترتب دارند.

۱. در این باره مطالعه کتاب گرانسنگ «منیة المرید» اثر شهید ثانی رحمته الله سودمند است.

۲. نهج الفصاحه، ص ۱۸۰، ح ۱۴۳.

۳. در پیام نهم آیه نَفَر گذشت که در فرهنگ قرآن، واژه «فقه» به معنای فهم عمیق است. واژه «فقه» در روایات نیز به معنای بصیرت و ژرف‌نگری در دین است، همانطور که کتب تحقیقی لغت در عرصه حدیث تصریح کرده‌اند: «لیس المراد به الفقه بمعنى الفهم ... بل المراد البصيرة في أمر الدين، و الفقيه أكثر ما يأتي في الحديث بهذا المعنى فالفقيه هو صاحب البصيرة.» (مجمع البحرين، ج ۶، ص ۳۵۵)

کسی که دین را به خوبی شناخت، دنیا در نظرش کوچک می شود و آخرت را بزرگ می شمارد، لذا نسبت به دنیا زاهد و بی اعتنا می شود و کسی که چنین شد عیوب خود را می شناسد و آنها را رفع می کند، چرا که امام صادق علیه السلام فرمودند: «رَأْسُ كُلِّ حَاطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا»<sup>۱</sup> «ریشه هر خطا و عیبی علاقه مندی به دنیا است.»

✧ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»<sup>۲</sup>. «اگر خداوند در هدایت کردن بنده اش تو را واسطه قرار دهد و آن بنده را به دست تو هدایت کند، برای تو از هر آنچه خورشید بر آن می تابد بهتر است.»

✧ امام باقر علیه السلام می فرمایند: «عَالِمٌ يُتَفَعُّ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ»<sup>۳</sup> «دانشمندی که از علمش بهره برند، از هفتاد هزار عابد برتر است.» چرا که عابد فقط دین خود را نگه می دارد ولی عالم، دین دیگران را نیز حفظ می کند.

✧ امام باقر علیه السلام می فرمایند: «الْكَامِلُ كُلُّ الْكَامِلِ التَّقِيُّهُ»

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۲۵۷۶، باب حب الدنيا و الحرص عليها.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۴.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۵۱، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء.

فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»<sup>۱</sup> «تمام کمالات در سه چیز جمع شده است: ژرف‌نگری در دین، صبر در مشکلات و میانه روی و مدیریت در امر معیشت.»

**نکته:** مراعات منش و زی طلبگی بر تمام طلاب لازم است. طلبه‌ای که مراعات زی طلبگی را نکند، نه در میان طلاب جایی دارد و نه در دل مردم. طلبه باید در معیشت خود دارای مدیریت و اعتدال باشد و در صورتی که وضع مالی خوبی دارد باز هم باید در سطح عموم مردم زندگی کند.

✓ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَوَدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُءُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا»<sup>۲</sup> «دلم می‌خواهد تازیانه به سر یارانم بزنند تا به دنبال فهم عمیق دین بروند.»

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۹، ح ۴۷، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء.  
 ۲. اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۸، ح ۴۲، باب فرض العلم و وجوب طلبه و الحث علیه.

پس از شناخت ارزش طلبگی، توجه به یک نکته ضروری است و آن اینکه با توجه به جایگاه رفیع طلبگی و ارزشمندی او برای جامعه بشریت و از آنجا که طالب علوم دینی وارث انبیای الهی است، ابلیس تمام تلاش خود را برای مایوس کردن طلبه انجام می‌دهد. گاهی او را نسبت به تحصیل علم مایوس می‌کند و آینده را در نظرش تاریک و مبهم جلوه می‌دهد و گاه به او می‌گوید که تو در معنویت و تهذیب به جایی نمی‌رسی. لذا لازم است طلبه علوم دینی از ندهای مایوس کننده دوری جسته و از وظایف تحصیل، تهذیب و حضور فعال در اجتماع کوتاهی نرزد.





## فصل دوم

# جایگاه ثقلین دین بر نامه طلبه

در فصل اول گذشت که طلبه دو وظیفه عمده دارد: تفقه در دین و انذار جامعه ﴿لِيَنْفَقَهُوْا... وَلِيُنذِرُوْا﴾. فصل دوم در صدد پاسخ به این پرسش است که «طلبه باید در چه منبعی تفقه کند و با چه چیز جامعه را انذار نماید»؟

## طلبه و ثقلین

❖ اگر در آیه نَفْر دستور به تفقه داده شده، منبع تفقه کردن نیز مشخص شده که همانا قرآن کریم است: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِيعُ الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup>. چراکه تمام علم در قرآن جمع است: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِكُلِّ شَيْءٍ﴾<sup>۲</sup> از همین روست که قرآن کریم، تدبر نکردن در آیات قرآن را معادل قفل خوردن بر دل می داند: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾<sup>۳</sup>.

❖ اگر وظیفه طلبه این است که عالم ربّانی شود، قرآن کریم منبع ربّانی شدن را یادگیری آیات قرآن

۱. امام علی علیه السلام می فرماید: «قرآن پیامزید چراکه بهترین کلام است، و در آن ژرف بنگرید چراکه بهار دل هاست». خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه (خطبه دیباج).

۲. «کتابی بر تو نازل کردیم که بیان کننده هر امری است». سوره نحل، آیه ۸۹.

۳. «آیا در قرآن تدبر و ژرف نگری نمی کنند؟ اگر تدبر نکنند بدانند که بر دل هایشان قفل خورده است». سوره محمد صلی الله علیه و آله آیه ۲۴.

و تدریس قرآن می شمرد: ﴿كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكُتُبَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾<sup>۱</sup> «ربانی<sup>۲</sup> شوید اما به وسیله آنچه که از قرآن یاد می دهید و درس می گیرید».

✧ اگر در آیه نَفَر، وظیفه ابلاغ دین و انذار مردم بر عهده طلاب علوم دینی گذاشته شده، منبع ابلاغ و انذار را نیز قرآن معرفی کرده: ﴿هَذَا بَلَّغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ﴾<sup>۳</sup> «این قرآن ابلاغ الهی برای مردم است و فواید فراوانی برای مردم دارد از جمله اینکه به وسیله آن انذار می شوند».

✧ اگر وظیفه طلبه این است که همچون پیامبر به مردم تذکر دهد: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾<sup>۴</sup> منبع تذکر دادن و موعظه کردن مردم باید آیات قرآن باشد: ﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ﴾<sup>۵</sup> ؛ ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ﴾<sup>۶</sup>.

۱. سوره آل عمران، آیه ۷۹.

۲. ربانی به عالمی گویند که برای اصلاح امر امت قیام می کند. لذا حضور اجتماعی برای عالم، شرط مهمی است و نمی توان به عالم منزوی و به دور از جامعه، ربانی گفت. «الرَّبُّ أَصْلُهُ مِنْ رَبِّيْتِهِ إِذَا قُمْتَ بِأَمْرِهِ وَمَنْ قِيلَ لِلْعَالِمِ رَبَّانِي لِأَنَّهُ يَقُومُ بِأَمْرِ الْأُمَّةِ» (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۷۳).

۳. سوره ابراهیم، آیه ۵۲.

۴. «ای پیامبر، تذکر بده که تو فقط یادآورنده هستی». سوره غاشیة، آیه ۲۱.

۵. «ای پیامبر! به وسیله قرآن تذکر بده». سوره ق، آیه ۴۵.

۶. «این قرآن بیان روشنی است برای مردم، و وسیله هدایت شدن و موعظه کردن است». سوره آل عمران، آیه ۱۳۸.

✧ و اگر وظیفه تزکیه کردن و تعلیم جامعه بر عهده طلبه است باید بداند که این تزکیه و تعلیم باید بر محور تلاوت و بیان آیات الهی برای مردم باشد: ﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ﴾<sup>۱</sup> «پیامبر خدا آیات کتاب آسمانی را بر مردم تلاوت می‌کند و ایشان را تزکیه نموده و تعلیم می‌دهد.»

البته دقت داریم که قرآن از عترت پیامبر خدا ﷺ جدا نیست. این دو همواره با همدیگرند و هرکس شعار جدایی یکی از دیگری را سر دهد بدون تردید گمراه است:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَأَتُّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا»<sup>۲</sup> «من در میان شما دو گوهر گران‌بها به یادگار می‌گذارم که مادامی که به این دو تمسک جوید گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و اهل بیتم و قطعاً هرگز این دو از هم جدا نخواهند شد.»

امام علی عليه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا»<sup>۳</sup> «خداوند متعال، ما را همراه قرآن قرار داد

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱۳.

۳. اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۴۹۷، باب فی أن الأئمة شهداء الله علی خلقه.

و قرآن را قرین ما، نه ما از قرآن جدا می شویم و  
نه او از ما.»

✧ اگر قرآن هدایت است، اهل بیت پیامبر نیز  
هدایت‌اند:

﴿ هَذَا هُدًى ﴾<sup>۱</sup> «این قرآن عین هدایت است» ؛  
﴿ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴾<sup>۲</sup> «ای پیامبر! تو  
فقط انذار کننده‌ای و برای هر قومی هدایت‌گری  
است (و پس از تو، اهل بیت تو هدایت‌گران این  
امت‌اند)».

✧ اگر قرآن نور است، اهل بیت پیامبر نیز نورند و  
هر دو، انسان‌ها را از ظلمت‌ها رهایی می‌بخشند:

﴿ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴾<sup>۳</sup>  
«محققاً از سوی خدا برای شما نوری با عظمت  
نازل شد که همان قرآن روشن‌گر است.»

﴿ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا ﴾<sup>۴</sup> «خداوند شما اهل بیت را به  
صورت نورهایی با عظمت آفرید.»

✧ اگر قرآن شفای دردهاست، عترت پیامبر نیز  
چنین‌اند:

﴿ وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ ﴾<sup>۵</sup> «قرآن را مایه  
شفای هر دردی نازل کردیم.»

۱. سوره جاثیه، آیه ۱۱.

۲. سوره رعد، آیه ۷.

۳. سوره مائده، آیه ۱۵.

۴. فرازی از زیارت «جامعه کبیره» که از امام هادی علیه السلام صادر شده است.

۵. سوره اسراء، آیه ۸۲.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «ذَكَرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً»<sup>۱</sup>  
 «ذکر و یادکردن ما اهل بیت، شفا است».

✧ اگر قرآن دل‌ها را زنده می‌کند، احادیث اهل  
 بیت نیز چنین می‌کند:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: «فَإِنَّ الْقُرْآنَ  
 يُحْيِي الْقَلْبَ الْمَيِّتَ»<sup>۲</sup> «قطعا این قرآن دل مرده را  
 زنده می‌کند».

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ حَدِيثَنَا يُحْيِي الْقُلُوبَ»<sup>۳</sup>  
 «محققاً احادیث ما، دل‌ها را زنده می‌کند».

✧ اگر قرآن جامع علم اولین و آخرین است، اهل  
 بیت پیامبر هم همین گونه‌اند:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ أَرَادَ عِلْمَ  
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ»<sup>۴</sup> «هر که خواهان  
 علم پیشینیان و آیندگان، از اول تا به آخر دنیا است،  
 باید در قرآن کند و کاو کند».

امام علی علیه السلام در جمع مهاجرین و انصار فرمودند:  
 «فَأَسْأَلُونِي فَإِنَّ عِنْدِي عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»<sup>۵</sup> «از من  
 پرسید که علم اولین و آخرین نزد من است».

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۱۹.

۳. الخصال، ج ۱، ص ۲۲.

۴. میزان الحکمه، ج ۹، ص ۳۳۵، ح ۱۶۶۰۷ به نقل از کنز العمال، ح ۲۴۵۴.

۵. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۸.

## ثقلین، میزان و شاخص

به هر حال طلبه علوم دینی به دنبال تحصیل هر علمی که باشد، باید بداند که هر دانشی که محصول فکر بشر است، خطاپذیر است اما خطا در وحی راه ندارد ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾<sup>۱</sup> «باطل و خطا به هیچ وجه در قرآن راه ندارد.»

امام باقر علیه السلام می فرماید: «شَرْقًا وَ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۲</sup> «شرق و غرب عالم را جستجو کنید اما بدانید که علم صحیح جز از خانه ما اهل بیت خارج نمی شود.»

بنابراین همه علوم را باید بر وحی (قرآن و حدیث) عرضه کرد.

در یک کلام ارزش هر کس به مقدار آشنایی او با

۱. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۲. اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۱۰۴۱، باب انه ليس شىء من الحق فى يد الناس الا ما خرج من عند الائمة.

قرآن و حدیث است و منزلت هر کس به اندازه نشر فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است:

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: «أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيْلِ»<sup>۱</sup> «شریف ترین افراد امت من حاملان قرآن و شب زنده داران اند.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند: «اعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا»<sup>۲</sup> «منزلت و جایگاه هر کس را به اندازه روایت کردنش از ما اهل بیت بشناسید.»

بنابراین تمام جهت گیری علمی یک طلبه باید معطوف به درک عمیق قرآن و عترت و تلاش در راه نشر فرهنگ ثقلین در تمام دنیا باشد.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» «خداوند رحمت کند بنده ای را که امر ما ائمه را زنده کند.» راوی پرسید: «چگونه امر شما را زنده کند؟» امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»<sup>۳</sup> «زنده کردن امر ما اینگونه است که علوم ما را بیاموزد و به مردم یاد دهد، چراکه اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند قطعاً از ما پیروی می نمایند.»

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۹.

۲. اصول الكافي، ج ۱، ص ۷۰، ح ۱۳۶، باب النوادر.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۲، ح ۳۳۲۹۷.



## جایگاه ثقلین در علوم حوزوی

تردیدی نیست که هر آنچه از علوم در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود در راستای فهم قرآن و حدیث است. اما در کنار پرداختن به این مقدمات مهم که در تحصیل آنها کوتاهی روا نمی‌باشد، لازم است که متن قرآن و حدیث نیز جزء متون درسی حوزه‌ها بوده و بر آن اهتمام بیشتری شود. چراکه مادامی که ادبیات عرب می‌آموزیم و شاهد مثال‌ها از قرآن و حدیث است، مشغول یادگیری ادبیات هستیم، نه قرآن و حدیث. یعنی عمده نظر و توجه به یادگیری قواعد ادبی است نه خود قرآن و حدیث و در این حالت قرآن و حدیث در خدمت فهم ادبیات عرب یا علوم دیگر قرار می‌گیرد. لذا لازم است متن قرآن و حدیث نیز متن درسی باشد تا این بار تمام اهتمام طلبه بر متن قرآن و حدیث متمرکز شده و ادبیات، فقه، اصول و ... را برای فهم قرآن و حدیث به کار گیرد. تفاوت این دو حالت بر هیچ اهل دقتی پوشیده نیست.

بنابراین، زیاد کردن شاهد مثال‌های قرآنی و روایی در کتب درسی حوزه، هرچند امری لازم و پسندیده است، اما به هیچ وجه جای خالی کتب درسی قرآن و حدیث که موضوع بحث آنها متمرکز بر قرآن و حدیث باشد را پر نمی‌نماید. لازم به ذکر است که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، توسعه فرهنگ قرآن و عترت در میان طلاب علوم دینی رشد یافته و سهم دروسی که مستقیماً در راستای فهم قرآن و حدیث قرار گرفته، قدری بیشتر شده است، اما به نظر می‌رسد همچنان تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. از این رو در فصل سوم کتاب، برخی فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب حَفَظَ اللَّهُ در این باره بیان می‌شود.

# فصل سوم

## بایسته‌های تقلیدین در حوزه از منظر رهبری

در فصل دوم گذشت که باید جایگاه علوم و حیانی (قرآن و حدیث) در حوزه، بالاتر از وضع موجود قرار گیرد. در این فصل بخشی از کلمات رهبر فرزانه انقلاب حفظه الله در این باره بیان می‌شود، باشد که چراغی فراروی راهمان باشد.

## انس با قرآن<sup>۱</sup>

«من در حوزه‌ها، انس با قرآن را همچنان مثل گذشته ضعیف می‌دانم البته گذشته ضعیف‌تر بود و حالا هم ضعیف است. طلبه‌ها باید با قرآن مانوس بشوند»؛ «قرآن را مرتب بخوانید. روزی نباشد که شما تلاوت قرآن نکنید. این که می‌بینید در روایات هست که بعضی از ائمه علیهم‌السلام در ماه رمضان، هر سه روز یا هر هفت روز و در غیر ماه رمضان هر پانزده روز یا هر ده روز یک ختم قرآن می‌کردند دلیل و فلسفه‌ای دارد.» (۶۷/۶/۱۰)

## قرائت و تجوید قرآن

«در نظام آموزشی طلبگی گذشته ما عیب بزرگی که وجود داشت غیبت قرآن بود... امروز این عیب دیگر نباید وجود داشته باشد. در درس‌ها آموزش قرآن را حتماً از متن قرآن و قرائت آن شروع کنیم. این غلط است که بعضی خیال کنند متن قرآن درس خواندن ندارد، نخیر درس خواندن دارد.»

۱. تمامی مطالب مندرج در این قسمت از کتاب «حوزه و روحانیت در آیین رهنمودهای مقام معظم رهبری حفظه‌الله»، ج ۲، ص ۳۱۳-۳۳۱ و نرم افزار «حدیث ولایت» انتخاب شده است.

اگر متن قرآن را یاد نگیرید حتماً معنی آن را یاد نخواهید گرفت. تجوید قرآن مقدمه فهمیدن قرآن است و تلاوت خوب قرآن یکی از شرایط لازم برای انس با قرآن و برای انس دادن جامعه به این کتاب است.» (۶۲/۹/۳۰)

«آداب تجویدی قرآن لازم است ... اگرچه این آداب، علم قرآن نیست، اما به هر حال یکی از دانش‌های مربوط به قرآن است.» (۶۷/۶/۱۰)

## حفظ قرآن

«حفظ قرآن بسیار با ارزش است... من الان وقتی بعضی از جوانانی را که حافظ قرآنند می‌بینم... غبطه می‌خورم و می‌گویم حاضر بودم اگر چیزی از امور معنوی داشتم بدهم و آن حفظ قرآن را بگیرم» ؛ «چون بقای حفظ نیاز به تکرار دارد به طور طبیعی توفیق تلاوت پیدا می‌کنید. آن وقت، ناگهان شما می‌بینید درباره هر مسأله‌ای از مسائل اسلامی که بحث می‌شود آیه‌ای از قرآن در ذهنتان هست.» (۶۷/۶/۱۰)

«نپرداختن به حفظ قرآن در حال حاضر واقعاً نقیصه‌ای در حوزه‌های ما به شمار می‌آید. در بعضی از حوزه‌های اهل سنت همان طور که مسبوق است از بدو ورود، حفظ قرآن جزء شرایط است.» (۶۸/۱۲/۲۷)

## تدبر در قرآن

«طلبه‌ها باید با قرآن به صورت تدبر مانوس شوند، تا بتوانند چیزهایی را از قرآن بفهمند. تدبر در قرآن برای همه مفید است و هرکسی به قدر ظرفیت فکری خودش استفاده می‌کند.» (۶۳/۲/۱۹)

«ما به قرآن نیاز داریم. هیچ کاری را بر خواندن قرآن مقدم نکنید... من از برادران طلاب خواهش می‌کنم که این نکته را فراموش نکنند. هر روز قرآن را با تدبر بخوانید و هرگز آن را رها نکنید.» (۶۷/۶/۱۰)

## اهمیت حدیث

«اهتمام به حدیث، پس از تمسک به کتاب حکیم حمید، برترین وظیفه‌ای است که عالم دین بدان مکلف است... حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی و یا همه آنهاست.» (۷۴/۸/۲۲)

## وضع فعلی قرآن و حدیث در حوزه

«قرآن از حوزه ما منزوی است؛ مثلاً علم قرآن، مسائل مربوط به قرآن؛ همین چیزهایی که شما می بینید تحت عنوان علوم قرآن الآن رایج شده و گذشتگان کتاب های زیادی درباره آن ها نوشتند و حالاها هم خوشبختانه بعضی ها توجهاتی به آن ها می کنند. تفسیر هم که یک علم مستقل است، همین طور است. حدیث، آشنایی با حدیث، علم حدیث، شناخت حدیث، که غور در این علم، به دسته بندی های خوب، فهرست بندی های خوب و استفاده های خوب منتهی بشود - که متأسفانه از همه آن ها ما الآن محروم هستیم - همین طور است.» (۷۰/۶/۳۱)





## جمع بندی

به نظر می‌رسد از مجموع آنچه گذشت، برای هر گروهی از اقشار جامعه پیامی برداشت می‌شود:

❖ **جوانان جامعه اسلامی** تنها به ورود به دانشگاه نیندیشند. در سال ۱۳۹۰ شمسی، از میان بیش از یک میلیون داوطلب ورود به دانشگاه، نصف آنها پذیرش شده‌اند، اما برای ورود به حوزه از بین سی هزار متقاضی، کمتر از ده هزار نفر پذیرش شده‌اند. لازم است افرادی که علاقه و استعداد ورود به حوزه‌ها را دارند از این وظیفه مهم غافل نباشند. آیا می‌دانید در حال حاضر که با کمبود نیرو در حوزه‌ها مواجهیم، برخی مراجع عظام، ورود به حوزه را برای افراد با علاقه و استعداد، واجب عینی می‌دانند؟ امروز با این تعداد طلبه پاسخگوی مدارس، مساجد، رسانه‌ها و نیازهای علمی و تبلیغی داخل و خارج کشور نیستیم.

✓ **پدران و مادران** باید به خداوند اعتماد کرده و به خاطر مسائل مادی یا بهانه‌های واهی، مانع ورود فرزندانشان به حوزه‌ها نشوند، بلکه مشوق آنها برای یاری دین خدا باشند. این وعده خداوند متعال در قرآن است که کسانی را که برای یاری دین او قیام کرده‌اند، در تمامی زمینه‌ها یاری فرماید.<sup>۱</sup>

✓ **طلاب علوم دینی** باید ارزش راهی که انتخاب کرده‌اند را دانسته و آیه نَفَر را نقشه راه خویش بدانند. طلاب باید از «یأس» که از جنود جهل است برکنار بوده، انس خود را با قرآن و عترت افزوده و برای ارتقای سطح معرفت به تقلین در جامعه کوشش بیشتری نمایند.

✓ **بر مسئولین حوزه** فرض است که تمام تلاش خود را برای اجرای منویات حضرت امام خمینی علیه السلام و رهبر فرزانه انقلاب حفظه الله به کار بسته و جایگاه علوم و حیانی در حوزه را بیش از پیش ارتقا بخشند.

۱. ﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن نُّصَرُوا لِنُصَرُوا وَلَنُبِتَّنَّ أَعْدَامَكُمْ﴾ (سوره محمد علیه السلام، آیه ۷)؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ (سوره حج، آیه ۳۸)؛ ﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (سوره یونس، آیه ۱۰۳)؛ ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (سوره روم، آیه ۴۷)؛ ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُدُ﴾ (سوره غافر، آیه ۵۱).

✓ بر رسانه‌ها، صدا و سیما، آموزش و پرورش و سایر نهادهای مسئول لازم است با معرفی بیشتر حوزه‌های علمیه به دانش‌آموزان و جامعه، بر علاقه‌مندی آنها بر انتخاب راه سربازی حضرت ولیعصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریفات بیفزایند.

از خداوند متعال تعجیل در فرج حجّت بالغه‌اش حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریفات را خواستاریم.

﴿وَأٰخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح)
۳. صحیفه سجادیه
۴. زیارت جامعه کبیره
۵. آشنایی با قرآن، علامه شهید مرتضی مطهری،  
صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش
۶. إرشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، سبزواری  
نجفی، دار التعارف للمطبوعات، بیروت،  
۱۴۱۹ق
۷. اصول الکافی، محمدبن یعقوب کلینی،  
دارالاسوة، تهران، ۱۴۲۵ق
۸. اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین  
طبیب، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش
۹. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی،  
بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق

۱۰. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد بن حسن صفار، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق
۱۱. بیانات حضرت علامه جوادی آملی در درس تفسیر
۱۲. تاج العروس من جواهر القاموس، حسینی زبیدی واسطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق
۱۳. التحقيق فی کلمات القرآن، سید حسن مصطفوی، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، بیروت، ۲۰۰۹م
۱۴. تفسیر جوامع الجامع، امین الاسلام طبرسی، انتشارات دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، ۱۳۷۷ش
۱۵. تفسیر روان جاوید، محمد ثقفی تهرانی، انتشارات برهان، تهران، ۱۳۹۸ق
۱۶. تفسیر روشن، سید حسن مصطفوی، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ش
۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملا فتح الله کاشانی، کتابفروشی علمی، تهران، ۱۳۳۶ش
۱۸. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ش

۱۹. چهل حدیث، حضرت امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۰ش
۲۰. حدیث ولایت (نرم افزار مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر فرزانه انقلاب)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، قم، ۱۳۹۰ش
۲۱. حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش
۲۲. الخصال، محمد بن علی بن بابویه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ش
۲۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق
۲۴. علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه، داوری، قم، ۱۳۸۸ش
۲۵. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش
۲۶. الکشاف عن حقائق التنزیل، محمود زمخشری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق
۲۷. کنز الدقائق و بحر الغرائب، میرزا محمد مشهدی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش

۲۸. لسان العرب، ابن منظور، دارالفکر، بیروت،  
۱۴۱۴ق
۲۹. مجمع البحرين، فخرالدین طریحی،  
کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ق
۳۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الاسلام  
طبرسی، دارالأسوة، تهران، ۱۳۸۴ش
۳۱. مرآة العقول، علامه مجلسی، دار الکتب  
الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ق
۳۲. معجم الفروق اللغویة، ابو هلال عسکری، دفتر  
انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۶ق
۳۳. مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب،  
علامه، قم، ۱۳۷۹ق
۳۴. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه،  
دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق
۳۵. منیة المرید، شهید ثانی، مکتب الإعلام  
الإسلامی، قم، ۱۴۰۹ق
۳۶. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری،  
دارالحديث، قم، ۱۳۸۷ش
۳۷. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد  
حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، قم،  
۱۴۱۷ق

۳۸. نهج الفصاحه، غلامحسین مجیدی خوانساری،  
انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۸۵ش
۳۹. الوافی، ملا محسن فیض کاشانی، کتابخانه  
امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق
۴۰. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل  
البیت، قم، ۱۴۰۹ق